

آدمان ملت

ارگان حزب ملت ایران

سال یکم شماره ۳ سه شنبه بیست و ششم فروردین ماه ۱۳۵۹ بهای ۱۵ ریال

رهائی عراق رسالت انقلاب اسلامی
ملت ایران است. حکومت نژاد گرای
بعث را سرنگون باید کرد

در صفحه ۳

آزادی در فقر - فقر آزادی

چگونه ممکن است، باز هم دست
روی دست بگذاریم

ما را یک خفت تاریخی به
انقلاب کردن واداشت، خفت به
ناحق ریزه خورخوان غربیان بودن
و تن به تکدی سپردن. ما را
چندان ساخته بودند که با
چشمان گرسنه نگاه به
دروازه های سرزمین غربیان
بدوزیم و هر روز صبح
شیر خشک های اهدائی آمریکا-
تهیه شده به شیوه «فورموس»
آمریکا- بسته بندی شده برای

متمدنانه زیستن را جوجه
جاسوس های سپاه صلح آمریکایی
به ما تعلیم بدهند....
برای آنها که خوش خدمتی
کرده اند، بورسی برای آمریکا
برای آنها که خوب دزدی
کرده اند، بورسی برای آمریکا
برای آنها که اعیان زادگان و
نوکیسگان وابسته اند، بورسی
برای آمریکا....
بقیه در صفحه ۵

پاکسازی یا انتقام کور

تخصص مورد نیاز نظام اداری کشور،
پراکنده شده است

در صفحه ۶



مشعل دار چپاول

سازمان های کارگری

دفاع از حقوق کارگران در گرو دور ماندن از هر فانتزی فکری

است

پدید آمدن و شکل گرفتن و
گسترش یافتن نهضت کارگری
نتیجه طبیعی و قطعی توسعه
صنعت است. در هر اقتصاد
صنعتی یا نیمه صنعتی
کارگران به اقتضای موضع
اجتماعی خود، دیر یا زود و
پاوصف هر فشار و هر
تدبیر مخالف، به شکل گیری

سازمانی روی می آورند سازمان
کارگری یکی از مواهب نظام
صنعتی است نباید از پدید آمدن
آن هراس داشت جلوگیری از
اتحاد سازمان یافته کارگران نه
میسر است نه مفید و نه لازم.
فقط گروه های سرمایه داران
وابسته و حکومت های وابسته به
بیگانه سودای جلوگیری از اتحاد
سازمان کارگران را در سردارند.
بورژوازی قوام یافته غربی نیز
اصل ضرورت شکل گیری
سازمانی کارگران را پذیرفته
است. آن گروه سرمایه داران که

اینجا و آنجا هنوز در تصور
جلوگیری از اتحاد سازمانی
کارگران به سر می برند از راه و
رسم حیات جامعه نوبی خبر و
برکنار مانده اند. این گروه را در
فرهنگ سیاسی خود، لومپن
بورژوازی نامیم. فقط لومپن
بورژواها و نظام حکومتی تحلیل
آنها، می پندارند که می تواند از
پدید آمدن همبستگی برومند
کارگران جلو گرفت.
همبستگی کارگران، به
گونه ای یک پدیده اجتناب ناپذیر
اقتصاد صنعتی میعاد فرخنده ای

نیروئی است که افق های تازه و
گوارا بر حیات فکری و اقتصادی
بشر باز می کند.
نهضت کارگری برابر با پیوند
سازمان یافته کارگران است و
هر قدر شمار بیشتری از کارگران
در متن آن پیوند بگیرند که
سرانجام چنین پیوندی خواهند
یافت، بر قدرت و دامنه عمل
نهضت کارگری افزوده میشود و
هر اندازه کارگران بر هدف های
سازمانی خود و بر شیوه اجرای
بقیه در صفحه ۵

دوران نبرد در درو

اکنون زمان تلاش و ایثار است

انقلاب اسلامی ملت ایران به دوران تازه ای گام نهاده
است، دوران نبرد در درو، نبرد عاری از همه پیرایه های
دیپلماسی غربی. دشمن از کشیده شدن به چنین نبردی
پرهیز داشت و می کوشید که مبارزه گسترده ملت ایران را با
حیله گری های دیپلماتیک از چشم مردم جهان پنهان دارد.
دشمن کوشیده است که از آشکار شدن جوهر
ضدامپریالیستی انقلاب اسلامی ملت ایران جلوگیری کند
تا یک کانون نیرومند و پویا علیه ستم و نظام سلطه در
جهان پدید نیاید. ولی همه تدبیر های سیاسی، بی اثر مانده
و دشمن ناچار شده است بی پرده نیروهای خود را به میدان
نبرد مردم ایران بیاورد.

دشمن هرگز نمی خواست که صف بندی ها در برابر
انقلاب ما چنین روشن باشد و می کوشید نیروهای خود را
در پوشش های رنگارنگ دیگری به میدان بفرستد، و
می کوشید توان انقلابی ما را در برخورد های پراکنده
فرسوده سازد، بی آنکه خود بطور مستقیم درگیر کارزار
باشد، اما خواسته او برآورده نشد، هشیاری رهبر انقلاب به
دشمن فرصت نداد تا چهره واقعی خود را در پس
آرایش های دیپلماتیک پنهان کند، و او را ناگزیر ساخت که
نقاب براندازد، و آشکار و بی هیچ پوشش به میدان نبرد
بیاید.

اینک صحنه نبرد به طور کامل روشن شده است، در یک
سو ملت ایران به نمایندگی همه ملت های استعمار زده جهان،
در سوی دیگر امپریالیزم آمریکا با همه یاران و وابستگانش
به پیکار ایستاده اند. این پیکار، برای هر دو نیروی شرکت
کننده در نبرد پیامدهایی اساسی دارد. پیروزی یا شکست
در این نبرد برای هر دو نیرو سرنوشت ساز است. اگر
امپریالیزم آمریکا در این نبرد شکست بخورد بی گفتگو
سلطه جهانی او پایان می پذیرد، و بی گفتگو همه ملت های
در بند، با شجاعت و اعتمادی بسیار بیشتر از گذشته به
نبرد خواهند پرداخت، و باز بی گفتگو نظام روانی
سلطه گران آشفتنگی بسیار خواهد یافت. و اگر نیروهای
ملت ایران پیروز نشود، همه مردم آزاده جهان افسرده
خواهند شد و امپریالیست ها فرصت خواهند یافت تا هراسی
بیشتر در قلب های رزمندگان ضدامپریالیست بیفکنند، و
بی تردید دورانی ناگوار در تاریخ همه نهضت های
رهایی بخش است که غلبه نهایی امپریالیزم ممکن نیست، و
راست است که در هیچ حالی

بقیه در صفحه ۲

استوار باد همبستگی همه نیروهای انقلابی ملت ایران

دوران نبرد رودرو

نبرد ضدامپریالیستی پایان نمی‌گیرد، و راست است که سرانجام ملت‌های اسیر نیروهای امپریالیستی را سرکوب می‌کنند و نظامی عادلانه در پهنای جهان مستقر خواهد شد ولی تا زوال قطعی و همیشگی امپریالیسم فراز و نشیب‌های بسیار است.

امپریالیست‌ها می‌توانند با گریز از یک صحنه شکست نابودی حتمی و طبیعی خود را به زمانهای دورتر بیفکنند و در این صورت، ملت‌های رزمنده جهان برای رهایی خود باید صدمه‌هایی بسیار بیشتر، و آسیبهایی بسیار دردناک‌تر تحمل کنند.

پیروزی ملت ایران در نبرد حاضر فصل تازه و گوارایی در کتاب آزادی انسان خواهد گشود، و پیروزی امپریالیسم آمریکا سلطه ستم آلود آنرا برشان‌های مردم جهان سنگینتر خواهد کرد.

وظیفه‌های بس سنگین برشان‌های ماقرار دارد باید با همه توان خود به اجرای این وظیفه برخیزیم باید از تجربه‌های چند ماهه پس از پیروزی انقلاب بهره بگیریم و تا آنجا که می‌توانیم از اشتباه پرهیز کنیم و هراشتباه گذشته را هم برگردانیم. آنچه را می‌باید برای پیروزی در این نبرد در پیش گرفت به گونه بسیار فشرده در زیر می‌آوریم و از همه رزمندگان می‌خواهیم که این گفتگو را بسیار جدی بدانند و هر آنچه را در پیروزی ما کار آمد می‌شناسند بگویند و بنویسند و به کار بندند.

۱- همبستگی ملی

انسانی‌ترین نیاز ما، در این دوران مبارزه همبستگی ملی است می‌باید همه مردم ایران را زیر پرچم مبارزه با امپریالیسم بسیج کرد.

از هر درگیری داخلی می‌باید دوری گزید، و همبستگی تنها در صورتی حاصل میشود که هیچ گروهی نخواهد اندیشه‌ها و خواسته‌های خود را بر دیگر گروه‌ها تحمیل کند معنای همبستگی آن نیست که همه گروه‌ها از یک گروه پیروی کنند معنای همبستگی آن است که هر گروه خواسته‌های گروهی خود را به کناری بگذارد و بر محور خواسته‌های همگامی با دیگر گروه‌ها به همکاری و همگامی برخیزد. همه گروه‌ها باید تفاوت در شیوه‌های اندیشه و برداشت را به یکسو نهند و برای برآمدن خواسته مشترک و تنها خواسته مشترک در شرایط فعلی، که نبرد با امپریالیسم است، به تلاش برخیزند هر گروه که بخواهد

خواسته‌های ویژه خود را در این میان پیش بکشد، و دیگران را به پذیرفتن آنها وادارد، به مبارزه بزرگ ملت ما صدمه می‌زند. این روشی است که نه فقط گروه‌ها، بلکه هر کدام از مردم ایران باید در پیش گیرند، هیچکس نباید خواسته‌ها و یا سلیقه شخصی خود را در شیوه‌ی مبارزه عنوان کند، همه باید خود را سربازی بدانند که در جبهه جنگ درگیر است، و در چنین حالی جز قبول و اجرای خواست همگانی که پیروزی در نبرد است نباید هوایی در سر بیرواند.

۲- کوتاه کردن دامنه خواسته‌ها

همه مردم و همه گروه‌ها باید بدانند که اقتصاد کشور پریشان و ناتوان است، و نمی‌تواند خواسته‌های درست آنان را برآورد، همه باید تا آنجا که ممکن است از خواسته‌های خود بکاهند. ما درست و انسانی بودن خواسته‌های مردم ایران را هرگز انکار نکرده‌ایم و نمی‌کنیم، و در شرایط مناسب آنان را به طرح خواسته‌های خود تشویق هم کرده‌ایم، و باز هم خواهیم کرد، نبرد بزرگ کنونی ما هم رو بدان سوی دارد که بر هم میهنان خود زندگی شایسته‌تر و آسوده‌تری ارمغان کنیم. سالها با این اندیشه زیست‌ایم و بر این خواسته ایستاده‌ایم ولی اینک زمان، زمان دیگر است، اینک زمان تلاش و ایثار است. از همه مردم ایران می‌خواهیم که برای مدتی کوتاه، آسایشی کمتر بخواهند و به مصرف کمتر بسنده کنند، و دامنه آرزوهای خود را تا آنجا که بتوانند کوتاه سازند.

راهی جز این در پیش نیست همگان باید بدانند که اگر آسایشی برای آنان فراهم شدنی باشد فقط در پرتو شکست امپریالیسم است.

۳- در پیش گرفتن شیوه‌های درست اداره کشور

در کار اداره کشور بعد از پیروزی انقلاب نارسائیهایی بوده است که آنها را بسیار گفتیم و شمردیم و دیگر نیازی به بازگفتن آنها نمی‌بینیم آنقدر گفته‌ایم که همگان از آن آگاه شده‌اند. اینک زمان از میان بردن این نارسائیهایی است. فرصت هم اندک است، می‌باید به سرعت بر همه نارسائیهایی غلبه کنیم. و می‌باید همه توانایی ملی را در اداره کشور به یاری بخوانیم می‌باید هر آنچه اشتباه بوده است با استواری برگردانیده و درست شود. می‌باید از همه امکانات ملی تا آخرین اندازه ممکن بهره‌گیری شود: به‌ویژه از در هم شکستن نیروی انسانی کارآزموده‌مان به

بهبان‌های گوناگون باید پرهیز کنیم، باید از هر کس که آماده است به پیروزی بزرگ آینده مدد رساند یاری بجوئیم، باید شیوه‌ی اداره کشور را یکباره درست کنیم، این وظیفه تاریخی ماست. اگر در این کار از خود دلیری و توانائی و هشیاری نشان ندهیم خود مسئول هر ناکامی خواهیم بود و هیچ عذری از ما در داوری تاریخ پذیرفته نخواهد شد.

۴- نظم و کار

ما در حال جنگیم، و در میدان جنگیم، همه می‌باید قاعده‌های جنگ را بشناسند و اجراء کنند، اصلی‌ترین قاعده میدان جنگ نظم و کار است. هر گونه پراگندگی در سازمان، در روش، در هدف، در رابطه با هم و در رابطه با نظام اداری کشور سرچشمه زیانها است باید همه قاعده‌های نگاهدارنده نظم را رعایت کنیم و می‌باید در کار تولید همه نیروی خود را به خدمت گذاریم.

و بدانیم که قدرت جنگی هر کشور از چشمه قدرت اقتصادی آن مایه می‌گیرد، اگر قدرت اقتصادی خود را ناتوان داریم به نیروی ارتشی و بر همه نیروی جنگی خود آسیب زده‌ایم، و قدرت اقتصادی ما از دو اصل نظم و کار مایه می‌گیرد باید کار کنیم و از هر بی‌نظمی بگریزیم.

۵- آگاه ساختن مردم

می‌باید از هر آنچه در کشور می‌گذرد همگان را آگاه داریم، هر پیروزی و هر شکست، هر قدرت و هر ناتوانی خود را به آگاهی مردم برسانیم، بی‌خبر گذاشتن مردم از رویدادهای داخلی و خارجی کشور به معنای کنار گذاشتن آنها از صحنه نبرد است، هیچ بهانه‌ای در جلوگیری از اجرای این خواست قابل قبول نیست، عنوان‌هایی از گونه‌ی، تاثیر بد در روحیه مردم یا به هراس افتادن مردم، یا کاهش یافتن اعتبار کار به دستان کشور یا اثرهای خارجی، نباید ما را از دادن همه خبرها به مردم دور کند. مردم ایران برای آگاه شدن از آنچه در کشورشان می‌گذرد نباید به رادیوها و روزنامه‌های خارجی روی آورند رسانه‌های گروهی ایران باید اصلی‌ترین و قابل اعتمادترین منبع‌های خبری باشند باید با سرعت و دقت همه خبرها را به مردم رسانند، باید بدانیم که هیچ خبری در پرده باقی نمی‌ماند، و دیر یا زود همه مردم از همه خبرها آگاه می‌شوند و سستی ما در رسانیدن خبر به مردم فقط ناباوری آنها را به ما در پی خواهد داشت، که در شرایط جنگی بزرگترین زیان را دربر دارد.

شرکت نکردن در المپیک

در ادامه این اعتراض از هر گونه کمک برای رهایی مردم افغانستان نمی‌بایستی دریغ ورزید و این اعتراض و پی‌آمدهای آن نه در یک بازی شطرنج گونه‌ی سیاسی که همچون رسالت انقلاب اسلامی ملت ایران انجام گرفت و ادامه خواهد داشت، نباید تصمیمی گرفت که به باور مردم آسیب رساند.

در وضعی که دولت کازتر همچنان دولتهای دیگر جهان را به عدم شرکت در المپیک مسکو تشویق می‌کند، هر ذهن ساده‌ای این تصمیم‌گیری نابهنگام را نوعی دنباله روی تلقی میکند! برخلاف گفته‌ی سخنگوی شورای انقلاب و درست به دلیل اینکه آمریکا چنین تحریمی را عنوان کرده است، ایران نباید قهرمانان خود را از شرکت در المپیک مسکو باز میداشت.

از این گذشته، هنگامیکه مسابقه‌های مقدماتی برای شرکت در این المپیک انجام میگرفت تجاوز به افغانستان عملی شده بود و اگر به راستی این تصمیم جنبه اعتراض داشت لازم بود همان وقت ورزشکاران را از حضور در میدان‌های مسابقه منع می‌کردند تا هیچکس

نمی‌توانست آنرا به تحریم آمریکا ربط دهد و اینهمه تیرگی در ذهن مردم پدید نمی‌آمد، و ورزشکاران کشور که در بدترین شرایط بدون داشتن تمرین کافی در میدان‌های ورزش افتخار آفریدند و باشوق آماده‌ی نمایش استعداد‌های خود در

آرمان ملت

ارگان حزب ملت ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

دارنده امتیاز - امیر سلیمان عظیمیا

خیابان سپند شماره ۳۶ طبقه سوم تلفن ۸۹۸۲۱۷

آگهی اصلاحی

آگهی شماره ۲۳۱۶۴ - الف مربوط به شعبه ۱۴ دادگاه عمومی تهران در شماره ۵۷ - مورخه ۵۸/۱۲/۲۱ روزنامه جبهه ملی ایران وقت رسیدگی ۱۳۵۴/۷/۲۹ چاپ شده اشتباه و ۱۳۵۹/۶/۲۹ صحیح است.

همرزم ارجمند محمود گرگین

با اندوه بسیار در گذشت شادروان حیدر گرگین پدر گرامیتان را تسلیت می‌گوید دبیرخانه حزب ملت ایران

آگهی حصر وراثت

بجای روزنامه جبهه ملی

آقای حیدر رستمزاده زکلیک به شناسنامه ۶۰۹۳ تهران بشرح دادخواست کلاسه ۵۸/۳۵-۱۳۱ این شعبه توضیح داده شادروان نریمان رستمزاده زکلیک به شناسنامه ۱۲۵۰۵ در تاریخ ۱۳۵۸/۹/۲۹ در گذشته وراثت فوت آن مرحوم عبارتند از ۱- متقاضی یا مشخصات فوق‌الذکر پسر متوفی ۲- اولدوز رستمزاده زکلیک به شناسنامه ۱۲۵۰۷ صادره از اهر دختر متوفی ۳- ننه خانم رستمزاده زکلیک به شناسنامه ۱۲۵۰۶ صادره از ارسباران عیال دائمی متوفی ورثه دیگری ندارد.

لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمترتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد، یا وصیتنامه‌ای از درگذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است. رئیس شعبه ۳۵ دادگاه صلح تهران محمد ابراهیم طائف م الف ۲۳۸۱۲ ۳-۲

بجای روزنامه جبهه ملی آگهی حصر وراثت

آقای دکتر علی شریف به وکالت از ایراندوخت شجیعی به شرح دادخواست کلاسه ۵۸-۸۱۶ این شعبه توضیح داده شادروان محمدرضا معتمدی به شناسنامه ۱۷۸۰ در تاریخ ۵۸/۸/۱۱ در گذشته ورثه وی عبارتند از ایراندوخت شجیعی به شناسنامه ۱۱۰۳۳ همسر دائمی واحد رضا معتمدی به شناسنامه ۴۱۵ و عباس معتمدی به شناسنامه ۴۲۲ و ابوالحسن معتمدی به شناسنامه ۲۶۰ و محمدعلی معتمدی به شناسنامه ۲۲۱۵۱ پسران و آذرمدیخت معتمدی به شناسنامه ۱۶۶۵۸ و افسانه معتمدی به شناسنامه ۱۷۶۸۰ و آزاده معتمدی به شناسنامه ۲۶ دختران.

لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمترتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد، یا وصیتنامه‌ای از درگذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است. دادرش شعبه اول دادگاه صلح تهران - قاسم عیانی. م الف ۲۱۴۶۹ ۳-۳

رهائی عراق

در مراحل استعمار، توسط استعمارگران، شیوه‌های گوناگون سلطه بکار برده میشود تا این رابطه ضدانسانی و ویران‌ساز تداوم پیدا کند. جهانخواهران آزمنند کوشش بعمل آورده‌اند تا پس از پایان استعمار مستقیم یعنی سرآمدن حضور در مستعمره‌ها، کشورهای بی‌مایه و پایه و بدون ارتباط با فرهنگ‌های ملی و سوابق تاریخی ایجاد نمایند. این کشورهای «مصنوعی» که در سرزمین‌های غارت شده پدید آمده‌اند و گوئی در ابتدا روی نقشه‌های جغرافیایی باخط‌کش مرزهایشان تعیین شده و آنگاه بی‌توجه بانسانهای منطقه «تعلقات کشوری» برایشان تعیین گردیده، صورتی بی‌سفریننده دارند. بظاهر در این «جوامع ناقص» استعمارگران حضور ندارند و بهمین دلیل مردم فریب خورده خود را در رویای نوعی استقلال قرار میدهند دارای «پرچم میهنی» هستند و «سرودهای ملی» باخود را مایه‌های غربی میخوانند اما وابستگی‌های استعماری شدیدتر از سابق در جامعه‌هایشان وجود دارد و آن استعمارشدگان سابق در دوزخی سهمناکتر، در گمان دروغین «استقلال» می‌سوزند و زمامداران دست نشانده آنان بجای صاحب‌ها و «سر»های سابق بگونه نوکران حلقه بگوش متروپل، تازیانه‌های استبداد را برپیکر مردم فرود می‌آورند و هستی آنان را بتاراج میدهند و خود مردم نیز در این مرحله از استعمار بعنوان «مستعلقان» به کشور مصنوعی بجای اینکه تنها شمشیرهای خود را علیه استعمارگران برافراشته دارند گاه ناگزیر کور کورانه و متعصبانه دردل یکدیگر فرو می‌برند.

نمونه‌های متعددی از این نوع کشورهای خلق‌الساعه و «بالکانیزه» در تمام قاره‌ها دیده میشوند بویژه در آفریقا که بعلت کمبود جمعیت وضع خاصی را بوجود آورده‌اند و در آسیای غربی بعلت تراکم نسبی جمعیت و سوابق تاریخی و فرهنگی در این رابطه حالت دلخراش‌تری بچشم می‌خورد.

یکی از نمونه‌های روشن و بارز کشورهای استعمارناخته و ضدمردمی آسیا که از ابتدا در خدمت استعمار و امپریالیسم قرار داشت و علیه ملت‌های منطقه و نهضت‌های رهائی بخش آن بانواع دسیسه‌ها و نیرنگ‌ها برخاست «موجود» سرهم پستهای است بنام «عراق» که دولت حاکم بر آن از آغاز اوچگیری نهضت استقلال طلبانه و آزادیخواهانه ملت ایران برهبری امام خمینی و دوران پرشکوه انقلاب اسلامی و مراحل سخت گذر سازندگی جامعه انقلابی، بیش از یک «نوکر» وفادار به ارباب بزرگ «عرض» خودمی برد و تصور میکنند «زحمت» ما میدارد!

در این نوشته کوتاه سعی شده است وضع اجتماعی و سیاسی و سابقه کار تاریخی عراق روشن گردد و علت‌های بنیادی عنادوستیزه جوئی حزب نژاد گرای حاکم این کشور برضد ایران و مواضع ملی آن بازشناسی شود. عراق کشوری است بمساحت ۴۴۴/۴۰۰ کیلومتر مربع - و مردم آن از ملت‌ها و قوم‌های مختلف و ادیان و مذاهب گوناگون و زبان‌های چندگانه - آمار دقیقی درباره همه دانستنی‌های دموگرافیک آن فراهم نشده است اما آنچه مورد شک کارگزاران حکومتی عراق نمی‌تواند قرار گیرد در زیر ارائه میشود.

کل جمعیت در سال ۱۹۴۷ در حدود ۴/۸۱۶/۱۸۵ تن
 « ۱۹۵۷ » ۶/۵۳۸/۱۰۹ تن
 « ۱۹۶۷ » ۸/۲۰۰/۰۰۰ تن
 این جمعیت که دارای باروری زیاد است معلوم نیست در سال ۱۹۲۱ - میلادی چه اندازه بوده است ولی طبق داده‌های آماری آن سال، ۱/۴ مردم عراق کرد هستند که دارای تعلقات عربی نمی‌باشند و از ۱/۴ باقی ۷۰ درصد شیعی هستند و ۲۵ درصد سنی و ۵ درصد از معتقدان ادیان و مذاهب دیگر. از آخرین آمارهای که در دست ماست و کل جمعیت - ۸/۲۰۰/۰۰۰ تن تخمین زده شده است، ۷۵ درصد عرب - ۲۰ درصد کرد و ۵ درصد ترک و ترکمن و آشوری و کلدانی و ارمنی و یهودی و ایرانی غیر کرد می‌باشند و از ۷۵ درصد عرب عراقی ۴۵ درصد شیعی و ۳۰ درصد سنی معرفی

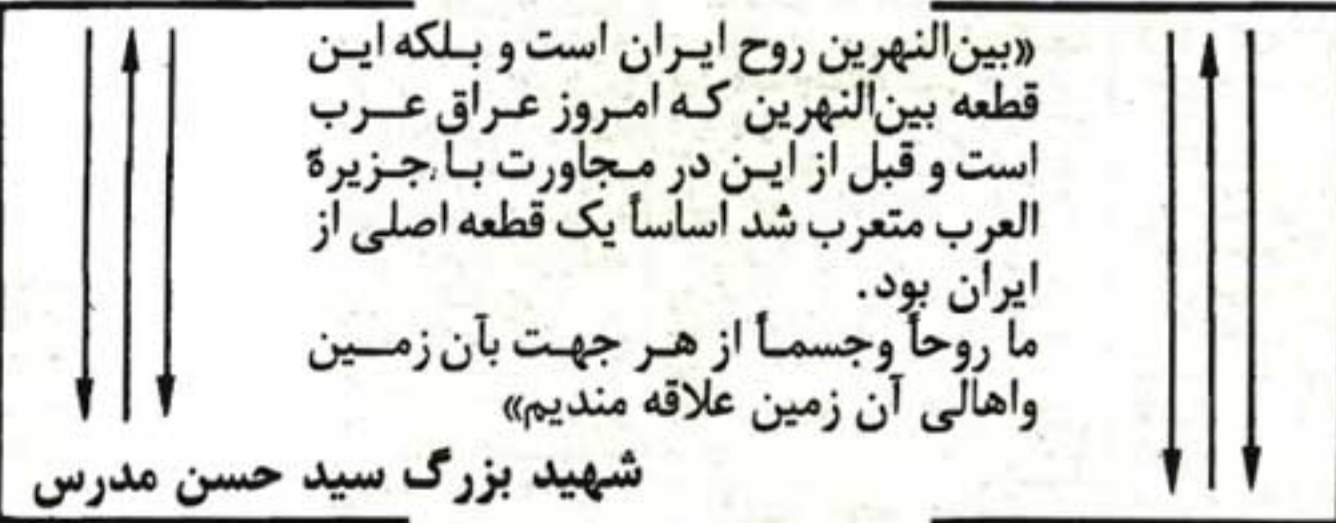
شده‌اند.

در سال ۱۹۵۶ میلادی ۲۴ درصد کل جمعیت عراق شهرنشین بوده‌اند و عمده‌ترین شهرهای عراق که بیش از ۳۰ هزار تن جمعیت داشته‌اند، بشرح ذیل میباشند.

بغداد - ۷۵۰/۰۰۰
 بصره - ۱۶۰/۰۰۰
 موصل - ۱۴۰/۰۰۰
 مرقوک - ۹۰/۰۰۰
 نجف - ۷۵/۰۰۰
 حله - ۴۷/۰۰۰
 کربلا - ۴۵/۰۰۰
 سلیمانیه - ۳۵/۰۰۰
 اربیل - ۳۵/۰۰۰

در عراق از روزگاران کهن، پیروان دین‌های یهود و نصاری زندگی میکردند. و هم‌اکنون نیز در شهرهای بزرگ سکونت دارند.

از بدو برخورد‌های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی با اروپا در این سرزمین نیز اندیشه‌های جدید و حزبهای فراوان بوجود آمدند و هم‌اکنون گرایش‌های، کمونیستی، سوسیالیستی، پان عربیسم ضد بعثی، مذهبی و جز اینها وجود دارد. تنوع‌ها و چندگانگی‌های قومی و مذهبی و زبانی خصلتی را (تاریخی و اجتماعی و فرهنگی) برای عراق بوجود آورده است که با هیچ یک از کشورهای عربی نمی‌تواند مجموعه بدهد و با هیچکدام از آنها هم نمی‌تواند همیاری و هم‌آهنگی داشته باشد و یران مستقل و آزاد و پیشرونده نیز بعلت قوه جاذبه



فرهنگی و مذهبی و تاریخی، بزرگترین خطر برای «عراق استعمار ساخته» بشمار می‌آید و همین است بنیادی‌ترین علت در گریه‌هایی که هم‌اکنون حزب حاکم برعراق (معلقان و وابستگان عشایر تکرتی) بوجود آورده‌اند که به تحقیق امپریالیسم آمریکا بگونه «موتور» خارجی این اغتشاش‌ها بکمک صهیونیسم بین‌المللی که بیشترین شکست را از انقلاب ایران خورده است، دست اندر کار هستند.

عراق که یادآور تمدن‌های سومر و آکاد و بابل و آشور می‌باشد، قرن‌های متمادی جزئی از ایران بشمار میرفت و تیسفون (مداین) پایتخت ایرانیان در این منطقه قرار داشت.

در دوره اسلامی بویژه در دوره‌های شکوفایی فرهنگ، هیچگونه انقطاعی بوجود نیامد. تاریخ هم‌داستان‌هایی از آل بویه بیاد دارد و هم از نظامیه بغداد. با تشکیل دولت عثمانی، چهارصد سال این منطقه از ایران صفوی جدا افتاد و مرزهای هیچگاه با ایران نه در دوره صفوی و نه افشاری و نه قاجار مشخص نگردید و غالب جنگ‌های بسین ایران و عثمانی در همین رابطه برآمیدند. در دوره ضعف عثمانی و ایران، توسط روسی‌ها و انگلیسی‌ها در چندین نشست مرزهایی تعیین گردید که آن هم پس از متلاشی‌شدن قدرت عثمانی‌ها چندین بار توسط انگلیس‌ها تغییراتی پیدا کرد.

ملت ایران بعلت نادرست و غیرملی بودن این مرزها و زبان‌های سیاسی و فرهنگی آن، هیچگاه بطور رسمی آنرا قبول نکرد و با تمام قدرت خود طی یکی، دو قرن اخیر آشکار میساخت که دولت‌های حاکم بر ایران هیچگاه متعلق بمردم ایران نبوده‌اند و این دگرگونی‌ها همه‌گانه در رابطه با خواسته‌های بیگانگان تحقق یافته است.

تاسال ۱۸۳۱ میلادی حکومت‌های محلی (موصل و بغداد و بصره) بدست شیعیان بود و ساکنان منطقه دارای نوعی «خودگردانی سنتی» بودند بمرور عثمانی‌ها با فرستادن پاشاهای رسمی، اداره امور را در رابطه با سیاست کلی امپراطوری قرار دادند.

در جنگ جهانی اول انگلیس‌ها از جنوب به عراق حمله آوردند در سال

۱۹۱۷ بغداد و سال کودک مسخر شد. در سال ۱۹۲۰ عراق تحت‌الحمايه انگلیس‌ها معرفی گردید. شیعیان عراق بحرکت درآمدند و مجتهدان و علمای شیعی یکی از چشمگیرترین جنبش‌های ضد استعماری را در خاورمیانه علیه بریتانیای کبیر بوجود آوردند که در سال ۱۹۲۲ میلادی موجب تبعید چهل تن از آنان به ایران گردید.

در سال ۱۹۲۱ نام کشور تسخیر شده توسط انگلستان استعمارگر عراق نامیده شد و امیر فیصل حجازی پسر شریف حسین بعنوان پادشاه این کشور ساختگی شناخته گردید.

در سال ۱۹۲۴ نظام مشروطه سلطنتی در این کشور مستقر شد و در سال ۱۹۲۶ سازمان‌های لشکری و کشوری آن یکی پس از دیگری تأسیس شدند.

در این تحولات ساختگی انگلیس‌ها در سال ۱۹۲۱ رفراندوم هم کردند که شباهت به رفراندوم آنها در بحرین داشت.

کردهای غیرتمند در آن شرکت نکردند. شیعیان نیز از همان ابتدا ایجاد کشور و نظام حکومتی آنرا استعماری تشخیص دادند و با آن بنای مخالفت را گذاشتند بویژه پس از قرارداد ۱۹۳۰ به امضای نوری سعید و کمیسر عالی بریتانیا که عراق را تحت‌الحمايه انگلیس معرفی میکرد.

در همین سال با کمک استعمار انگلیس دوستی بین ابن‌سعود و ملک‌فیصل پادشاه عراق برای سرکوبی نهضت‌های عربی بوجود آمد. در سال ۱۹۳۶ به این «پیمان برادری و اتحاد عربی» یمن هم اضافه گردید، چه، بیم حرکت‌هایی در باب‌المنذب داده میشد.

جهت سرکوبی جنبش‌های کشورهای غیر عربی منطقه در سال ۱۹۳۶ قرارداد سعدآباد بین عراق و ترکیه و افغانستان و ایران که همه دست‌نشانده امپراتوری انگلیس بودند امضا شد

بقیه در صفحه ۶

شرکت شورمندانه در راهپیمائی وحدت



گروهی از حزبها به هنگام راهپیمائی در خیابان طالقانی

بدنبال فراخوان دبیرخانه در تهران و بیشتر شهرستانها و وابستگان و هواداران حزب در روز جمعه بیست و دوم فروردین ماه با شورمندی در راهپیمائی وحدت شرکت جستند. در تهران کار بدستان سازمان مرکزی و سازمان شهرستان و تهران و وابستگان شوراهای این دو سازمان بهمراه بعضی از هموزمان ساعت نه بسامداد از قرارگاه حزب در خطسیر خیابان سیند و سپس خیابان سپهبد قمری به حرکت درآمدند و با نظم کامل وارد خیابان طالقانی شدند و به صف‌های فشرده مردم پیوستند.

از لحاظ مذهبی باید بیادداشت که این منطقه در طی تاریخ اسلامی همیشه مرکز فرهنگی و مبارزاتی شیعیان بوده است و بسیاری از علما و فقهای شیعی از این مرکز برخاسته‌اند.

بسیاری از نبردهای پیروان حقیقت علیه ستمگران (علویان، زنگیان، قمرطیان و گروه‌های دیگر) در این سرزمین مقدس شکل گرفته است. یکی از بررسی‌های اجتماعی و تاریخی درباره پنجاه و هشت تن از مراجع تقلید شیعیان از غیبت امام زمان (ع) تا مرحوم آیت‌اله العظمی بروجردی روشن ساخته است که چهل تن در عراق و چهارده تن در ایران و چهار تن در کشورهای دیگر به مرحله اجتهاد رسیده‌اند و از این مجتهدان اعلم سی و چهار تن ایرانی و شانزده تن عراقی و هفت تن سوری و یک تن عمانی بوده‌اند و از آنها چهل تن در عراق و دوازده تن در ایران و شش تن در سوریه سکونت کرده‌اند.

این داده‌ها بخوبی معلوم میدارد که چرا برای ملت ایران، عراق بگونه «قلب تشیع» می‌تپد و چرا ملت ایران عراق را از خود میدانند و ایران را با عراق یگانه می‌انگارند. کردهای عراق که از اصیل‌ترین ایرانیان هستند، خود را بیشتر متعلق به فرهنگ ایران میدانند تا عرب و از معتقدان مذهب شافعی هستند که نزدیکیترین مذهب اهل سنت به آئین شیعه می‌باشد و سنیان عرب پیرو مذهب حنفی هستند و در جنوب عراق مذهب مالکی رواج دارد.

پاکسازی یا انتقام کور

در سازمانهای اداری کشور باید روحی تازه دمید در این سازمانها باید قدرت کار و تصمیمگیری و قبول مسئولیت آفرید. این سازمانها وظایفی سنگین و تاریخی بر عهده دارند باید برای اجرای آن آمادگی یابند اگر سازمانهای اداری ایران نتوانند مسئولیتهای اساسی و تاریخی خود را برآورده کنند بی گفتگو بر حیات ملی، آسبهای سخت خواهد رسید.

سازمانهای اداری هر کشور تنها زیر تأثیر شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم نیستند این سازمانها در جدول ارزشهای عمومی و فراگردهای تاریخی ریشه دارند شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بی گمان بر همه سازمانهای دولتی و کم و بیش سازمانهای خصوصی-رنگ و روحیه خاصی بار می کنند ولی این رنگ و روحیه بیشتر در سطوح ظاهری و خارجی سازمانها باقی می ماند و نمی تواند تا ژرفای سازمان اثر کند برای آنکه رنگ و روحیه حاکم در ژرفای سازمانهای یک کشور رسوخ کند می باید نخست جدول ارزشهای عمومی و فراگردهای تاریخی کشور را زیر تأثیر اساسی و عمیقی بگیرد و آنها را از راه طبیعی تکامل خود باز گرداند و سپس به دستگیری عناصر فرهنگی جعل شده، نظام اداری کشور را به هر مسیر که می خواهد بکشاند خوشبختانه در کشور ما چنین نشد زیرا شرایط عمومی سیاسی در نظام آریامهری قدرتی بهره مند نبود که بتواند میراث فرهنگ بنیادمند ما را از اثر بیاندازد و به طور کلی استخوان بندی نظام اداری کشور از آسیب عمقی شرایط سیاسی برکنار ماند.

تباهی شرایط حیات سیاسی در کشور نیاید ما در باره نظام اداری به اشتباه بیفکند نظام اداری از نظام سیاسی جدا است و حل شدن نظام اداری در نظام سیاسی به گذشت زمان و قدرت فکر نظام سیاسی نیازمند است ولی نظام سیاسی گذشته کشور چنان قدرت فکری نداشت و نظام اداری امکان آن را یافت که به اقتضای انگیزه های خاص خود در استانی جدا از نظام ساسی سلوک کند.

یکی از تلخ ترین اشتباههای کار به دستان بعد از پیروزی انقلاب، یکی شمردن نظام اداری و نظام سیاسی در رژیم گذشته بود. این دو نظام را یکی

دانستند و گناهان نظام را بر کارنامه اداری درج کردند و به اقتضای چنین گناهایی عقوبتها بر نظام اداری روا داشتند. و این عقوبتها مجموعاً به نظام اداری کشور آسبهای تازه وارد کرد.

گفته شد، نظام اداری ایران در نظام سیاسی حل نگردید و گفته شد، نظام اداری مستقل از نظام سیاسی، مسیری خاص خود پیش گرفت شاهد این ادعا در گیریهای بسیاری نظام سیاسی با نظام اداری کشور بود نظام سیاسی کشور تلاش بسیار کرد تا نظام اداری را در خود فروبرد ولی بیشتر تلاشهای او در اینراه ناکام ماند. نباید گناهان نظام سیاسی رژیم گذشته را به حساب نظام اداری منظور داشت. حساب نظام اداری را باید از حساب نظام سیاسی کشور جدا ساخت و هر حساب را با شاخص های ویژه خود مورد رسیدگی قرار داد و نسبت به آن حکم کرد. آنان که با شیوه های اداره کشورها آشنا هستند و آنان که پیچیدگی و عظمت این کار را می شناسند می دانند که نظام اداری غیر از نظام سیاسی است با آگاهی بر جدایی بنیادی و ساختمانی نظام اداری از نظام سیاسی می باید نظام اداری رژیم گذشته مورد مطالعه دقیق قرار می گرفت و نارسائیهای آن معین میشد و سپس شیوه بر طرف کردن آن نارسائیها روشن می گشت و وسایلی بر طرف کردن آنها فراهم می آمد ولی دریغ که چنین نشد و بی محابا بر نظام اداری تاخت آوردند و کارایی آن را در نظر نگرفتند.

نظام اداری ایران در برابر نظام سیاسی به نوعی مقاومت منفی از درون گرایش داشت و تا آنجا که شرایط، فرصت می داد خواسته های نظام سیاسی را به پاسخ می گذاشت و از افشاشگری دریغ نمی کرد و در تزلزل اعتبار نظام سیاسی بسیار می کوشید. نظام اداری ایران پیش از آن که در خور حمله و ضربه باشد سزاوار و نیازمند رسیدگی و بازسازی بود.

نظام اداری ایران وظیفه هایی سهمگین بر عهده دارد. وظیفه های نظام اداری ایران گوناگون و پیچیده است. پیروزی انقلاب برای این وظیفه ها افزوده است. نظام اداری ایران تنها به تسامین آسایش ملت مأمور نیست. این نظام وظیفه پراهمیت رشد و توسعه اقتصادی را به گردن دارد. باید برای اجرای این وظیفه آماده شود. آماده سازی نظام اداری ایران را باید باشناخت این نظام آغاز کرد. آنچه به نام پاکسازی

سازمانهای اداری ایران رازیر ضربه گرفت برآمده سازی و توان بخشی نظام اداری ایران نیز بود. کار هیئتهای پاکسازی نه در فلسفه و اساسی قابل قبول است و نه در چگونگی اجراء پاکسازی نباید از توانائیهای نظام اداری بکاهد. پاکسازی در پایان راه باید سازمان کارآمدتری بر جای نهد و نه سازمانی درهم کوفته و از هم پاشیده. پاکسازی به معنای انتقام کور نیست- عمل انسانها در مجموعه شرایط زمان و مکان باید سنجیده شود ارزش گذاری و داور در باره کارهای آدمی بی در نظر گرفتن مجموعه شرایط گونه های انتقام کور است. و انتقام کور در شان دوران انقلاب نیست از انتقام کور بگذرید و پاکسازی را زمینه ای برای بازسازی و توان بخشی و آماده کردن نظام اداری قرار دهید.

یکی از اصلی ترین تسکلیف های نظام سیاسی هر کشور بازسازی انسانها است. انسانها را می باید ساخت و دوباره ساخت.

نظام سیاسی کشور آنچه نظامی که با یک انقلاب اسلامی پدید آمده با هیچ بهانه ای از این وظیفه نمیتواند سرباز زند در هم شکستن انسانها کاری است آسان. هر نظام سیاسی به راحتی میتواند گروههایی از مردم کشور خود را پیریشان سازد ولی در این پریشانی غرور و افتخاری حاصل نمی آید.

پاکسازی نه سازمانهای اداری را به حرکت در آورد و نه بر افتخارهای انقلاب افزود، پاکسازی از توانائی اداری ایران کاست و بسیاری کسان را که میتوانستند خدمتگزار انقلاب و ایران باشند رنجانید و دست کم به گوشه عزلت و اعتکاف فرستاد.

پاکسازی به اندازه چشمگیری تخصص مورد نیاز نظام اداری کشور را پراکنده کرد، تخصص هایی که جایگزینی آنها بسیار دشوار و شاید هم در شرایطی غیر ممکن باشد.

پاکسازی از مبانی اخلاق و عدالت هم دور مانده و بسیاری از فرزندان شایسته ایران را به بهانه های غیر قابل قبول آزرده ساخته است، این پاکسازی، اساس آرمانی و علمی روشن نداشته و شیوه ای اجرائی آن هم بسیار ناگوار بوده است می باید به سرعت بر این ناگواری غلبه کرد و برای برگرداندن خطاهایی که رفته و برای جبران ضایعه هایی که به بار آمده است راهی اندیشید.

آزادی در فقر

گرداگرد خود بیندازیم، به پوشاک خود، به خوراک خود، به خانه خود، به وسیله های آمد و رفت خود به چراغ و منابع گرمایا و سرمازای محیط خود، تاحس کنیم که چگونه به مصرف کنندگان بیکاره و بی خاصیت کالاها ی غربی، به طفیلی هایی که به ثروتهای زیر زمینی خود آویخته اندوبه بسندگان نظام سرمایه داری و به مردمی که نفت را با بهره وین و مرفین وحشیش و تریاک و عرق و ورق و وسایلی بزرگ تساخت می زنند تبدیل شده ایم.....

این عین حقیقت است که دیگر معجزه ای نخواهد شد؛ و معجزه تنها در دستهای ما، در اراده ی ما و در نواندیشی های ما خواهد بود.

آنها که خواستن و بیشتر خواستن از دولت راتنها راه نجات از تنگدستی و درمماندگی می شناسند باید بدانند که دولت نیز در سرزمینی که تولیدی ندارد، دولت نیست، قدرت نیست، راه یاب و راه گشانیست. نتیجه ی آزادی در فقر، فقر آزادیست.

و نتیجه سکون از بی تحرکی عظیم ناگهانی، مرگ است و مرگ و تیره بختی و درد و بیماری همان چیزهایی ست که ما با کم کاری و کاهلی و طفله رفتن از ساخت تولید به فرزندان خود پیشکش می کنیم.....

رهائی عراق

پس از جنگ جهانگیر دوم در سال ۱۹۴۶ قرارداد دولتی ترکیه و عراق امضا گردید و بالاخره در سال ۱۹۵۵ پیمان سنگین بغداد بسود امپریالیستهای آمریکا و انگلیس انعقاد یافت. در تمام این مدت حکومتهای عراق بی درپی تغییر میکردند و نوری سعید که یکی از مهره های قدرتمند آن بود بر ضد خواسته های منطقه رفتار مینمود.

نهضت ملی ایران برهبری دکتر مصدق خاورمیانه را بنحو بی سابقه ای تکان داد. اثرات ملی کردن صنعت نفت رجال و شخصیتهای عراق و احزاب آنرا بر آن داشت که از دولت خود بخواهند که نفت عراق نیز ملی شود. اما نوری سعید با شدت در مقابل این اندیشه، دسیسه و سختگیری بعمل آورد.

مردم عراق حرکتهای درخشانی از خود نشان دادند شورشهایی در زندانهای بغداد و کوت العماره برپا شد کارگران نفت در بصره اعتصاب کردند سالهای بسیار سختی بر عراق گذشت در سال ۱۹۵۶ دجله طغیان شدیدی کرد که بدولت آسیبهای فراوانی وارد شد، حکومتهای گذشته و رجال قدیمی دیگر عهده دار حکومتگری نبودند. کودتای نظامی عبدالکریم قاسم در سال ۱۹۵۸ تحقق یافت فیصل دوم پادشاه عراق امیر عبداللله ولیعهد و نوری سعید نخستوزیر و بسیاری از عناصر ناپاک رژیم کشته شدند و نظام جمهوری در عراق استقرار یافت.

در رابطه با اتحاد عراق و مصر و سوریه و نقش تاریخی جمال عبدالناصر در گیریهای پیش بینی شده با کردها و کمونیستها و تضادهای داخلی دیگر کودتای ۱۹۶۳ بوجود آمد، عبدالکریم قاسم کشته شد و محمد عبدالسلام عارف و گروهی از افسران حزب بعث حکومت را در دست گرفتند.

در سال ۱۹۶۶ محمد عبدالسلام عارف در یک حادثه هوایی کشته شد و برادرش عبدالرحمن عارف زمامدار عراق گردید که او هم بنوبه خود در کودتای ۱۹۶۸ جای خود را به ژنرال حسن البکر و صدام حسین داد و از سال پیش با کناره رفتن حسن البکر صدام حسین زمام امور را در دست گرفت.

طی این مدت ۲۰ سال در عراق جنگ قدرت

اصلی ترین انگیزه حرکتها بوده است، هنوز یک مجلس ملی که بتواند ظاهری از دموکراسی را نشان دهد تاسیس نشده است.

وضع عراق و سوریه، عراق و مصر هنوز هم مشخص نگردیده است. ماجرای لشکر کشی به کویت در سال ۱۹۶۱ هنوز هم ناتمام مانده است. مسأله کردستان هنوز هم بعنوان اساسی ترین مسأله باقی مانده زیرا عنصر کرد با عنصر عرب با وجود پیوندهای دینی-همبستگی احساس نمی کنند و همواره در حال قیام است. تعلقات جهانی عراق گاه مشخص و گاه نامشخص است و معلوم نمی باشد که عراق در زمره کشورهای «غیرمتعهد» هست یا نیست؟

در مورد فلسطین موضع دقیقی از این کشور مشهود نشده است تمام فعالیتها پیش جنبه تبلیغاتی داشته است و در عمل مردم فلسطین از کمکهای اقتصادی و نظامی عراق برخوردار نبوده اند.

در داخل کشور اندیشه های غیربعثی فرصت تجلی و بیان ندارند. سازمانهای مذهبی بسویژه شیعیان دروضع ناپهنجاری قرار دارند. کمونیستهای عراقی چندین بار قتل عام شده اند، افسران داخل نظام که با این روشهای ضد انسانی مخالفت کردند در معرض نابودی قرار گرفتند.

سازمان امنیت عراق با وحشیانه ترین روشهای ممکن بر کل جامعه سلطه یافته است گروه متعلق به صدام حسین (تکریتی ها) در راس قدرت هستند و حزب نژادپرست بعث (= رستاخیز) بگونه فراهم آورنده ایده تئولوژی فتنه انگیزیها و خونریزیهای این نظام زیر سلطه بشمار آمده است.

این حزب که مثل خود عراق معجونی از همه «ایسم»ها است بر رهبری صدام حسین (= حجاج ابن یوسف بغدادی!) طی چند سال با همکاری حزب رستاخیز (= بعث ایران) برهبری شاه مخلوع سازمان بندی سرکوبی جنبش های منطقه را بگونه ژاندارمهای امپریالیسم آمریکا» برعهده داشتند.

بارزترین حرکت های خائنه ی صدام حسین علیه مردم ایران را کار شکنی های بی دربی وی در هنگام اقامت امام خمینی در عراق و آغاز دوره ی شکل گیری

انقلاب می توان مشاهده کرد.

پس از نابودی نظام سلطنتی زیر سلطه، خلع شاه فراری، همکاری صدام حسین جلا د هم ادعای ژاندارمی مطلق منطقه را خواهانست و هم شدیداً به وحشت افتاده که بعد جهانگیر انقلاب اسلامی ملت ایران او را دیر بازود و بهمان سر نوشتی گرفتار کند که خیانتکاران تاریخ با آن روبرو شده اند.

اکنون که برادران عراقی مابه حرکت در آمده اند و سقوط حکومت بعث (= رستاخیز) را قریب الوقوع ساخته اند جهت فریب مردم و دور کردن خود از تضادهای داخلی همزمان با اقامت شاه مخلوع در مصر و سفر ننگ آور سادات به آمریکا و اقدامهای کارتر علیه ملت ایران، یکبار دیگر این عروسکان کم تجربه خیمه شب بازی استعمار روی صحنه آمده اند و در حالیکه هم جهانیان «استاد ازل» بازی- را شناخته اند این «بی خبران تکریتی» اسطوره های دوران جاهلیت را سرداده اند و بشیوه های جدید نوکری امپریالیستها و صهیونیستها را برعهده- گرفتند.

ملت قهرمان مساکه پنجه در پی نچه بزرگترین قدرتهای امپریالیستی دارد و می خواهد نظام سلطه در پی نچه گیتی را براندازد و انسان را آزاد کند. ملت بپاخاسته ما که برهبری امام خمینی انقلاب خود را در مسیر نیستی امریکای جهان خوار قرار داده است در اولین حرکت دولت پوشالی و استعمار ساخته عراق رانابود خواهد کرد و مردم زیرستم این کشور را آزاد خواهد کرد و برای همیشه به سرید گیهای فرهنگی و تاریخی این گوشه جهان پایان خواهد داد.

ملت ما به دلیری و پایداری مردم عراق چه سنی و چه شیعی چه کرد چه عرب اعتماد فراوان دارد و میدانند که ساکنان این منطقه پربرکت زمانی که بخواهند بهر کاری توانا هستند و از این رو بدنبال پیام آتشین امام خمینی به سلحشوران دجله و فرات این فرزندان پرشور بین النهرین، مردم ایران مشتاقانه در انتظارند تا سال نو، سال نابودی رژیم بعثی عراق و سال آزادی همیشگی مردم این کشور گردد.

سال انقلاب در سرزمینی که پیام عقیده و جهاد» از آنجا آغاز شد و «طریق شهادت» از آن دیار تاریخ را در نور دید.

آزمون

- کینه ها بی پایان
- خشمستان روز افزون
- کاوشان، بی تردید
- آرش آسا، ایثار
- راه را باید رفت
- سربسز آتش و خون
- گر گمان می کند آن دیو سیاه
- تاقیامت، تادور
- دامنش گسترده است
- شیشه عمرش را
- دستهای من و تو
- من سراپا عصیان
- تو سراپا ایمان
- من و تو داغتر از کوره ی روز
- من و تو، هم میهن
- شیشه ی عمرش را
- از دماوند بلند
- آن سرافراز سپید
- به زمین می کوبیم
- دود می گردد، دیو
- آسمان می بارد
- و زمین می نوشد
- شریت آزادی

نوزدهم فروردینماه ۱۳۵۹ پروانه

از خبرهای هفته

بقیه از صفحه ۸

اخراج ایرانیان از عراق ادامه خواهد داشت.

خبرهای رسیده حاکی از آنست که تا پنجشنبه گذشته تعداد ایرانیان رانده شده از عراق به مرز ۱۰ هزار نفر رسیده است، از سوی دیگر نعیم حداد عضو شورای انقلاب عراق اعلام کرده است که بیست هزار ایرانی دیگر نیز از خاک این کشور اخراج خواهند شد. گزارش بدست آمده از غرب کشور گویای آنست که رانده شده‌ها به چادر و پوشاک و غذا نیاز مبرم دارند و از آنجا که مأموران عراقی در موقع اخراج ایرانیان حتی فرصت پوشیدن لباس مناسب به آنها ندادند اکنون در وضع سختی بسر میبرند و بخصوص نوزادان و کودکان و مادران آنها در وضعیت توانفرسائی قرار دارند.

امید است که دست‌اندرکاران با بهره‌گیری از روحیه انقلابی مردم و با تجهیز همی امکاناتی خود به نیازهای این هم‌میهنان رانده شده بدرستی و بموقع پاسخ دهند.

طرح ادغام کمیته‌ها در شهربانی

آیتالله مهدوی کنی سرپرست وزارت کشور و عضو شورای انقلاب در هفته گذشته اعلام کرد که طرحی را تسلیم شورای انقلاب خواهد کرد که بموجب آن تمام کمیته‌ها در شهربانی و ژاندارمری و سپاه پاسداران ... ادغام خواهند شد.

ایشان طی مصاحبه‌ای اعلام کردند که ... ما در صدد هستیم که کمیته‌ها را برای ادغام در شهربانی آماده سازیم؛ زیرا عده‌ای از افراد کمیته‌ها از نظر روحی و روانی آمادگی برای این ادغام را ندارند و آنها شرایطی را ذکر میکنند که ما در صدد هستیم آن شرایط را تهیه کنیم و یک مقدار هم آمادگی فکری به آنها بدهیم.

با توجه به عملکرد کمیته‌ها بخصوص در چندماه گذشته میتوان از هم اکنون عواقب وخیم اجرای چنین طرحی را در نیروهای انتظامی پیش‌بینی کرد! اگر چه نقش کمیته‌ها و پاسداران آنها را در دوران انقلاب و حتی چندماه پس از پیروزی انقلاب نمیتوان نادیده گرفت اما بتدریج این نهاد خود جوش انقلاب بیشتر عناصر بالیمان خود را بدلیل نفوذ عناصر فاسد و فرصت طلب از دست داده است و اکنون که به مرکز بی‌شمر و مزاحم و مورد اعتراض و ایراد مردم تبدیل شده است، ادغام آن در شهربانی و احیانا ژاندارمری و سپاه پاسداران نمیتواند خالی از خطر و بی‌آمدهای ناگوار باشد.

ما صمیمانه به دست‌اندرکاران حکومت هشدار میدهم که بیش از این باندانم کاری‌های خود نیروهای انتظامی را تضعیف نکنند و اگر به راستی قصد تصویب و اجرای چنین طرحی را دارند، ابتدا عناصر ناشایسته و فاسدی را که هم اکنون در کمیته‌ها به اخاذی مردم و بندوبست با قاچاقچیان و اشاعه فساد پرداخته‌اند تصفیه کنند و گرنه وارد کردن آنها در نیروهای انتظامی نتیجه‌ای جز درهم ریختن کامل نظم جامعه و از بین بردن انضباط نیم بند شهربانی و ژاندارمری دربر نخواهد داشت.

رابطه ترکیب بودجه و میزان وابستگی

در هفته گذشته رئیس جمهور کشور در اجتماع استانداران اعلام کرد که میزان وابستگی بعد از انقلاب بیشتر از قبل انقلاب شده است. وی گفت ترکیب بودجه یک ترکیب ساده است. ترکیبی است از درآمد نفت، گمرک، کسر بودجه که از اعتبارات بانکی تأمین میشود و مالیاتها. این ترکیب در دوران رژیم سابق بوجود آمد و در دوران انقلاب به لحاظ کم شدن تولید به زیان استقلال و بسود وابستگی اقتصادی بیشتر تغییر کرده است. این سخنان اگر چه از نظر عده زیادی از دست‌اندرکاران حکومت زیاد جدی گرفته نشد و جدی هم گرفته نخواهد شد اما واقعیت‌هایی را بیان می‌کند که اگر به آن توجه نشود استقلال تازه به حرکت آمده کشور را با خطری قطعی روبرو خواهد کرد.

سر نوشت امام موسی صدر و رابطه ایران و لیبی

آیتالله صادق خلخالی که بنا به اظهار وزارت امور خارجه بطور خصوصی به چند کشور عربی از جمله سوریه و لیبی و لبنان مسافرت نموده بود روز چهارشنبه هفته پیش پس از مراجعت به ایران اعلام نمود که: امام موسی صدر بهر طریق، فوت شده‌اند و

مگس‌پرانی اداره کنندگان میهمانخانه‌ها و احداث مهمانسرا در رودسر

وزارت ارشاد ملی اعلام داشته است که پیمان ساختمان یک مهمانسرای بیست اتاقه را در رودسر امضا کرده است. این موفقیت بزرگی است و آن را به وزارت ارشاد ملی تبریک می‌گوئیم ولی از سوی دیگر صدها اتاق خالی میهمانخانه‌های کشور از گوشه و کنار به عابران و ناظران دهن کجی می‌کنند و اداره کنندگان میهمانخانه‌ها به شغل خطیر پرانیدن مگس مشغول اند و هزارها کارگر این تاسیسات هر روز با خطر بزرگ اخراج و بیکاری روبرو هستند و همه اینها در انتظار اقدامات و راهگشاییهای وزارت ارشاد ملی هستند ولی هر چه بیشتر می‌جویند کمتر می‌یابند. اگر وزارت ارشاد ملی توسعه مسافرت و یا دست کم مسافرت‌های داخلی را جز وظایف خود می‌شناسد چرا برای اینهمه سرمایه‌های ملی که را کد و بی‌حاصل مانده است فکری نمی‌کند، و اگر توسعه مسافرت را جز وظایف خود نمی‌شناسد و یا مصلحت نمی‌داند چرا به احداث میهمانسرای تازه می‌پردازد شاید همین کار بدستان امور مسافرتی از این حافظ تبعیت می‌کنند.

به یاد یارو دیار آن چنان بگرییم زار که از جهان ره و رسم سفر بر اندازم

تبریک انتخاب

آرزوی همه انقلابیون ایران است که مجلس قانون‌گذاری آینده ایران مظهر و نماینده تمام احزاب سیاسی و انقلابی ایران باشد جبهه روزنامه‌نگاران ملی خوش حال است که آقای ابوالفضل قاسمی دبیر کل حزب ایران و یکی از شخصیت‌های آزادیخواه و انقلابی و از نویسندگان و روزنامه‌نگاران با سابقه ایران از جانب مردم شریف و حق‌شناس درگز به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گردیده است. ضمن ستایش از فداکاری مردم رزمنده و آگاه درگز، توفیق انتخاب ایشان را با اینهمه دشواریها بعموم آزادی خواهان ایران تبریک می‌گوئیم.

ابراهیم کریم‌آبادی مدیر روزنامه اصناف
حبیب ذوالقدر مدیر روزنامه شیخون
سیداحمد سکاکی مدیر مجله پهلول
جلال غنی‌زاده مدیر روزنامه افتخارات ملی
امیر سلیمان عظیمی مدیر روزنامه آرمان ملت
عباس محمودی مدیر روزنامه سنگر خاور
محمود صالحی مدیر روزنامه بهار آذربایجان
محمود دژکام مدیر مجله رگبار امروز

دیگر در دنیا نیستند و امیدوارم که انشاءاله خداوند ایشان را رحمت فرماید.....

اگر چه هنوز ظن قوی بر این است که امام موسی صدر زنده و در لیبی زندانی است اما این مساله گویا تحت‌الشعاع ایجاد رابطه سیاسی ایران با لیبی قرار گرفته و بدنبال مسافرت‌های افراد مسئول و غیرمسئول به لیبی که گاه توأم با اظهار نظر شخصی و قول و قرارهای مغایر با سیاست خارجی ایران نیز می‌باشد، نشان میدهد که بدون هیچ دلیل روشنی، تمام ایرادها و اعتراض‌ها و تهدیدهایی که بخاطر بازداشت امام موسی صدر متوجه لیبی و شخص سرهنگ قذافی بود جای خود را به مهربانی و برادری داده است!

سازمان آزادیبخش فلسطین و بحران ایران و عراق

خبرگزاری یونایتدپرس از قول روزنامه کویتی «البعث» گزارش داد که ادیب و نون نماینده الفتح در کویت گفته است سازمان آزادیبخش فلسطین هیچ موضعی در قبال مناقشات اخیر ایران و عراق اتخاذ نخواهد کرد. وی اضافه کرده است اتخاذ یک موضع معین از سوی مادر قبال این بحران به معنی از دست دادن یکی از این دو کشور میباشد.

سازمان آزادیبخش فلسطین که هم‌اکنون بصورت یک دلال سیاسی در آمده است ضمن خبر دیگری اعلام نمود که حاضر به میانجیگری میان ایران و عراق میباشد بدون آنکه توجه شود ملت ایران هرگز نمیتواند زشتکاریهای دولت نژاد گمراهی بعث را تحمل نماید.

نکته‌های از دیروز تا امروز

هتک حیثیت غیر مستند و انتخابات آزاد

ستاد نظارت ملی بر اجرای انتخابات آزاد واقع در خیابان کریمخان‌زند بین ایرانشهر و خردمند شمالی شماره ۵/۵۴ طبقه چهارم به تاریخ ۱۲/۱۵/۵۵ اعلامیهای در یک صفحه و سه چهارم صفحه در بفره «خواستهای مشروع و بی‌نظرانه» خود پیرامون تأمین آزادی انتخابات منتشر کرده و در ضمن آن از «هتک حیثیت غیرمستند مبارزان با سابقه انقلاب و کاندیداها» ایلاز دلتنگی و نگرانی نموده و اشعار داشته یکی از اشخاص را به این مصیبت گرفتار آمده جناب آقای احمد صدر حاج‌سیدجوادی وزیر دادگستری پیشین و دومین وزیر دادگستری دوران انقلاب است. در فراهم آوردن همه شرایط لازم برای آزادی انتخابات تردیدی نیست و بر هر کس فرض و واجب است که هر چه در توانائی دارد برای تأمین آزادی و انتخابات به کار آورد اما گفتگو در اینجاست که «هتک حیثیت غیرمستند» هر کس ناروا است و هر کس اعم از آنکه نامزد انتخابات باشد یا نباشد می‌باید حیثیتش در امان بماند. محترم شمردن حیثیت اشخاص در جامعه از گرمای‌ترین جلوه‌های عدالت و تقوی است. ولی جناب آقای احمد صدر حاج‌سیدجوادی وزیر دادگستری پیشین خود از مستخرعین محکومیت بدون محاکمه بود. ایشان به اتفاق یار و همکار قدیمی خود جناب آقای اسداله مبشری نظام محکومیت بدون محاکمه را اختراع کردند و با دلیری به کار بستند و تا آنجا پیش رفتند که یکی از کارگردانان محکومیت بدون محاکمه بر سبیل اعتذار از کار خود، در روزنامه‌ها اعلام کرد که فقط مدت کوتاهی به این کار اشتغال داشته و دیگری در روزنامه‌ها از رفتار خود چنین پوزش خواست که آن روزها تازه انقلاب پیروز شده بود در مملکت حال و هوای مخصوص بود و از همکاریانش خواسته بود تا دقیقتر رسیدگی کنند و خطاهایی را که پدید آمده است جبران کنند. آقایان به هنگام وزارت می‌باید نظام و اصولی فراهم می‌آوردند که حیثیت اشخاص محترم بماند، وقتی خودشان هتک حیثیت اشخاص را مجاز تلقی کردند چگونه می‌توانند از اصل حفظ حیثیت به هنگام انتخابات دفاع کنند. با اینهمه ما آرزومندیم احترامات آقایان از هر گز ندی محفوظ بماند و اکنون که آقای احمد صدر حاج‌سیدجوادی به مجلس شورای ملی راه یافته‌اند، آرزومندیم که در مسند و کالت چون مسند وزارت عمل نکنند و در هیچ حالی اصول اخلاقی و قانونی حاکم بر جوامع بشری را فراموش ننمایند و گرنه مردم زیر لب زمزمه خواهند کرد: ببری مال مسلمان و چو صلت را ببردند - بانگ و فریاد برآری که مسلمانی نیست

محدودیت سفر به خارج در پوشش تشویق به ایران گردی:

طرح محدودیت سفر به خارج که از سوی وزارت ارشاد ملی تهیه و به نظرخواهی مردم گذاشته شده است تاکنون با مخالفت اکثریت اظهار نظر کنندگان مواجه شده و هر کس به تناسب محدودیتهایی که این طرح برایش ایجاد خواهد کرد از آن انتقاد کرده است. اکنون در این مختصر قصه بررسی این طرح در میان نیست و باید در فرصت مناسب به آن پرداخت ولی جالب آنکه وزیر ارشاد ملی اعلام داشته است، ایرانیان میتوانند برای خرید به جزیره کیش بروند غافل از اینکه درد مردم فقط خرید نیست و باید گفت که یکی از دستاوردهای انقلاب این است که توانسته تا اندازه زیادی مردم را به سوی ساده‌پوشی و بی‌تجمل زندگی کردن سوق دهد. باین وصف آیا بهتر نبود وزارت ارشاد ملی بجای تهیه طرح محدودیت سفر به خارج به ایجاد مراکز توریستی و توسعه گردشگاههای مناسب در داخل کشور همت می‌گماشت و بدون اینکه در این موقعیت با اعلام این طرح به نارضائیه دامن بزند با تهیه و اجرای طرحهای سنجیده مردم را به گذراندن تعطیلات خود در داخل کشور تشویق میکرد؟

البته آقای وزیر ارشاد ملی گفته‌اند که مردم بجای خارج رفتن به ایران گردی بپردازند ولی ایشان فراموش کرده‌اند که دست‌اندرکاران تاکنون هیچ قدم مثبتی در این راه برنداشته‌اند! باید توجه داشت که همه کارها را نمی‌توان از طریق فشار قانون انجام داد و باید راههایی را جستجو کرد که مردم به میل خود چیزی را قبول یا رد کنند.

زمین و آب باید ملی‌گردد و به خانواده‌های کشاورز سپرده شود

خبرهای حزبی

اظهار نظرهای دبیر حزب

همرمز داریوش فروهر دبیر حزب که با سه درازا کشیدن بیماریش از روز جمعه پانزدهم فروردین ماه بار دیگر در خانه بستری شده است در رابطه با اظهارات سعدون حمادی وزیر خارجه عراق و قطع رابطه آمریکا با ایران طی دو گفتگوی تلفنی اظهار نظرهایی نمود که در زیر آورده میشود.

ساعت ۱۱ بامداد روز هجدهم فروردین ماه پیرامون اظهارات سعدون حمادی وزیر خارجه عراق خبرگزاری پارس نظر داریوش فروهر دبیر حزب ملت ایران را جویا شد.

دبیر حزب در پاسخ اظهار داشت: تحریکهای دولت بعثی عراق دولتی که در میان مردم این کشور استعمار ساخته نیز کوجکترین پایگاهی ندارد و اکنون زیر فشار شدید رژیم آوران کرد و شیعیان عرب و حوزهای علمیه نجف و کربلا که بخش عمده آنها روحانیان جوان ایرانی

میسازند قرار دارد چیز خلاف انتظاری نیست.

این دولت یکه تاز که در هر گوشه خاک عراق نشانههای خیانت آن نمایان است، قبل از پیروزی انقلاب نیز به دشمنی با مردم میهن ما برخاسته بود.

اکنون در هنگامیکه شاه خلع شده فراری به مصر آمده و همه خویشان و گماشتگانش از گوشه و کنار بر گرد وی جمع شده اند و امپریالیسم آمریکا از دسیسه های جدید خود ناامید گردیده و به تقویت ناوگان خود در خلیج فارس پرداخته و دم از محاصره اقتصادی ایران میزند،

خوب پیدا است که چرا دولت بعثی عراق بر دامنه تحریکهای خود علیه نظام جمهوری اسلامی ایران افزوده است.

فتنه انگیزیهای چند روز گذشته در کردستان، خرابکاری در لوله های گاز و نفت در غرب و جنوب ایران، بیرون راندن هزاران نفر زن و مرد و کودکان و سالمند ایرانی با رفتار وحشیانه از خاک عراق و سرانجام سخنان بی شرمانه سعدون حمادی وزیر خارجه عراق بدنبال دورفشانیهایی یکی از رهبران سازمان آزادیبخش فلسطین درباره سه جزیره ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک، همه نشانه های بارز توطئه خطرناکی است که در شرف تکوین میباشد.

ولی بی شک هشیاری انقلابی ملت ایران همه این توطئه ها را درهم خواهد شکست و امپریالیسم آمریکا و دست نشاندهان ناچیز آن جز

رسوایی بیشتر بهرهای نخواهد برد. ارتش جمهوری اسلامی ایران که یک ارتش آرمانخواه است آماده میباشد که از سرزمین ایران از آسمان و آبهای ایران با همه نیرو دفاع کند.

و در صورت لزوم همه زنان و مردان ایرانی این آفرینندگان انقلاب شکوهمند اسلامی دست به سلاح خواهند برد و هر تجاوزگری را بگور میفرستند بی شک دبیری نخواهد پایید که بعد جهان گستر انقلاب اسلامی ملت ایران همه این مزدوران را از پا در خواهد آورد.



در ساعت نه بامداد امروز ۱۳۵۹/۱/۱۹ همرمز داریوش فروهر دبیر حزب ملت ایران به پرسش خبرنگار روزنامه کیهان پیرامون قطع رابطه سیاسی آمریکا با ایران چنین پاسخ داد.

همانگونه که دیروز به خبرگزاری پارس پیرامون زشتکارهای دولت بعثی عراق گفتیم امپریالیسم آمریکا هم یک رشته توطئه های جدید را بوسیله کشورهای دست نشاندهاش بر ضد ایران آغاز کرده است، وهم خود به تکاپوهای جدید سیاسی دست زده. اعلام قطع رابطه سیاسی با ایران از سوی رئیس جمهور آمریکا به نظر من هیچ چیز را تغییر نمی دهد زیرا ملت ایران امروز که به فرزندان دلیر خود اجازه داد جاسوسخانه آمریکا را در ایران اشغال کنند این قطع رابطه را آغاز کرده بود ولی حرکت جدید را میتوان نشانه آن دانست که دولت کارتر از عمق ایستادگی ملت ایران وقاطعیت یکتا رهبر انقلاب آگاهی بیشتری یافته است، وتصویرهای باطلی را که برای فریبکاری با تکیه به عاملهای سازش کار و اختلاف سلیقه ها در ایران داشت بکلی از دست داده و چنان دچار سردرگمی شده است که به کسارهای بسی نتیجه می برد. با وجود براین نباید انکار کرد که میهن ما در وضع خطرناکی قرار گرفته است که باید همه زنان ومردان ایران با هم بستگی هرچه بیشتر خود را آماده هرگونه درگیری سازند.

من چند روز است که بعلت بیماری وبستری بودن در جریان تصمیمهای دست اندرکاران حکومت قرار ندارم ولی همانگونه که بارها گفتم انقلاب اسلامی ملت ایران را نمیتوان در حصار نظام سلطه ابرقدرتها بر جهان نگه داشت و باید از بعد جهان گستر آن بهره برداری کرد و با کمک به جنبشهای رهائی بخش در سرزمینهای اسلامی که در همسایگی ما قرار دارند دولتهای دست نشانده را برانداخت و با ایجاد یک نظم نو در این گوشه از جهان امید امپریالیستها را برای همیشه برباد داد.

از خبرهای هفته

آمادگی رزمی ارتش جمهوری اسلامی ایران

رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران و فرماندهان نیروهای زمینی، هوایی، دریایی و رئیس ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران آمادگی کامل نیروهای ارتش و ژاندارمری را جهت مقابله با تجاوزات عراق اعلام داشتند. بدنبال تلاشهای بی شماری که برای انهدام ارتش ملی ایران و جلوگیری از بازسازی آن در این مدت یکساله انجام گرفت اکنون خبر میرسد که ارتش ایران از نظر تجهیزات در حد خود کفایتی است و پرسنل ارتش از روحیه های بسیار قوی برخوردار هستند در این زمینه فرماندهان نیروهای سه گانه ارتش ضمن اعلام آمادگی کامل معتقد هستند که عراق جرات و جسارت حمله گسترده ای را به ایران نخواهد داشت. همچنین رئیس جمهوری در این رابطه گفته است که باید بگویم که اگر دولت عراق بخود جرات بدهد و قدم پیش بگذارد، ما در حد تنبیه نخواهیم ایستاد و آنقدر به آمادگی نیروهای مسلح دلگرم و امیدوار و مطمئن هستیم که یقین داریم اگر همه ما بخوایم فرزندان اسلام و ایران را در مرزها نگهداریم آنها نخواهند ایستاد و تعقیب دشمن را فریضه خودشان خواهند شمرد و حتماً دشمن متجاوز را تا درون مرزهایش تعقیب خواهند کرد.»

بقیه در صفحه ۷

در سوگ بانو سلطنت فاطمی

با افسوس فراوان، بانو سلطنت فاطمی خواهر شیردل سردار شهید نهضت ملی ایران، دکتر حسین فاطمی بدنبال یک بیماری طولانی دور از وطن چشم از جهان فرو بست.

آنها که این زن دلاور را می شناختند خاطره فداکاری دور از باور او را به هنگام حمله ای چاقو کشان حرفهای در بار به دکتر فاطمی از یاد نمی برند. او تا پایان عمر در یازده قسمت از بدن خود نشان آن حمله نا جوانمردانه را داشت.

ابن بابویه در چهلم شهادت فاطمی در محاصره سپاهیان شاه، زیر برق سرنیزه ها و سایه های مرگبار مسلسل های سبک و سنگین، لحظات حساس را می گذرانید، هواداران نهضت ملی، گرد مزار شهید گویی انتظار فاجعه ای تازه را می کشیدند که ناگهان فضای خاموش و غمزده را صدای این شیرزن که فریاد می زد سلام بر حسین شهید، لعنت بر یزید زمان، شکست. این کلام چنان سریع و قاطع بیان شد که هیچیک از فرماندهان فرصت بخود جنبیدن و تصمیم گرفتن نیافتند. امروز با گریستن و شعار دادن و سرانجام زندانی شدن تنی چند از مبارزان پایان یافت.

و از آن پس سنگ کوچک مزار دکتر فاطمی برآستی «زیارتکه رندان» بود.

پرپر گلها، شمع های نیم سوخته و آب و جاروی مزار می گفت که رهگذری اهل دل، لحظه ای درنگ کرده، فاتحه ای خوانده واشکی فشانده و اینها تمامی دلخوشی های این زن برآستی داغدار را در سالهای خفقان تشکیل می داد.

مرگش گرچه اندوه افزاست لیکن جای سپاس دارد که آرزوی فروریختن نظام پهلوی در دل غمدیداش به بار نشست و زمانی دیده از جهان فرو بست که نام سردار شهید نهضت ملی با عشق بر زبانها جاریست و مزارش گلباران راهبان آزادی و استقلال است.

جنازه ای این بانوی عزیز شامگاه امروز به میهن انتقال می یابد و صبح فردا (چهارشنبه ۲۶ فروردینماه) در ابن بابویه، کنار برادر شهیدش به خاک سپرده خواهد شد امید آنکه در بزرگداشتش انسان که شایسته ای اوست بگوشیم

فراخوان

بدنبال دعوت رئیس جمهوری کشور از مردم سراسر ایران برای انجام راهپیمائی در روز جمعه بیست و دوم فروردین به نشانه وحدت ملی، دبیرخانه حزب در روز چهارشنبه بیستم فروردین اعلامیه زیر را داد.

ریک فریگره ریک

پینده لیرات

تورپرستش متینم ولزتو یاری میجویم.

هم میهنان:

نوسازی اسطوره ی اتحاد

از پی اوج گیری کردار انقلابی ملت ما و سرسختی جاودانه یکتا رهبر انقلاب - امام خمینی - در برخورد با قدرت نمایی های بیگانه و قطع رابطه ای آمریکا در مانده با ایران استقلال طلب و مجموعه حوادثی که از این سرچشمه آب می خورد، از جمله رفتار حکومت بعثی عراق - این سرسپرده ای امپریالیسم آمریکا در همسایگی میهن بزرگ ما و خرابکاری های وحشیانه ای که وسیله گماشتگان بیگانه در این سرزمین از بند رسته، انجام می گیرد، رئیس جمهور کشور از مردم سراسر ایران خواسته است تا در روز جمعه بیست و دوم فروردین، با راهپیمایی خود، پاسخی یگانه و درهم کوبنده به همه دشمنان انقلاب بدهند.

حزب ملت ایران، با پشتیبانی کامل این دعوت، به یاد همه ایرانیان وطن خواه می آورد که در شرایط کنونی، برای مبارزه با امپریالیستهای جهانخوار و دست نشاندهان کثیف آنها، حربهای تیزتر و برنده تر از وحدت خویش در اختیار ندارند و حق است که این سلاح دشمن کوب را به گسترده ترین و عظیم ترین شکل ممکن به کار گیرند.

ملت ایران، با حضور در راهپیمائی روز جمعه، دومین فصل کتاب پرشکوه انقلاب را خواهد گشود، فصل ناوابستگی راستین، فصل استقلال کامل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی.

زنان و مردان ایرانزمین: آن فرصت تاریخی به کف آمده است که با نمایشی از یکپارچگی، واپسین رشته های اسارت را پاره کرد.

در روز جمعه، با نوسازی اسطوره ی اتحاد، چنان کنید که هیچ راه آشتی با وابستگی باقی نماند. روز جمعه را روز ورود به مرحله ی نظم و کار انقلابی، روز رهایی نهایی از سلطه بیگانه، روز ایستادن بر سر پای خویش بسازید.

روز جمعه بیست و دوم فروردین، هیچکس در خانه نخواهد ماند... همه باهم پیش به سوی نمایش همبستگی ملی.

چهارشنبه بیستم فروردین ماه ۱۳۵۹ دبیرخانه حزب ملت ایران

فزونتر باد آمادگی ارتش جمهوری اسلامی ایران